

❖ جایگاه ویژه اقتصادی برای چین: تهیه مقدمات متغیر

*ک.د.لی های

کسانی بودند که نگاه مشکوکی به احیای مفهوم SEZ داشتند، که به نظری رسد بسیاری از تصمیم گیرندگان روسی بیشتر طرفدار این عقیده باشند. به عنوان مثال در پاییز ۱۹۹۸، هنگامی که دولت چین دست به گریبان فرونشاندن بحران ملی بود، نخست وزیر وقت روسیه سرگئی کرینکو، شرایط منطقه ویژه اقتصادی را برای چین جدایی طلب در فدراسیون روسیه اعلام کرد. البته رهبر چین این پیشنهاد را فوراً نپذیرفت، اما بعضی از نخبگان چین به ریسمان ایده SEZ چنگ زده بودند. بطوریکه پیروان پناهندگی احمدحاجی قدیرف در روسیه، اعمال نفوذ خود را برای اعطای جایگاه SEZ به چین آغاز کردند.

جانشین قدیرف، آلوالخانف که توسط سرگئی آبراموف، در مسکو حمایت می شد، به سرعت ردای سابق خود را به عنوان قهرمان محلی در رابطه با خط مشی SEZ به تن کرد که همین امر به یک عنصر اساسی در

داردسته قدیرف مدت مدیدی است که در کرمین در رابطه با آماده کردن چین برای جایگاه ویژه اقتصادی به اعمال نفوذ می پردازند. این شرایط ویژه، دولت چینی طرفدار مسکو را از پرداخت تعرفه های گمرکی و همچنین سرمایه گذاران خارجی را از مالیات معاف می کند. اهمیت این موضوع که چه کسی اختیار قانونی کنترل بر منابع طبیعی را در دست می گیرد، بعضی مواقع مایه نفاق در روابط پیرامون - مرکز است. معرفی یک رژیم خاص اقتصادی برای چین و کم کردن نظارت مسکو در خصوص منابع طبیعی جمهوری ها به حل این وضع بفرنج کمک خواهد کرد. روسیه نواری را به مفهوم منطقه ویژه اقتصادی ((SEZ پس از فروپاشی شوروی ایجاد کرد. اگرچه این منطقه اقتصادی سال ۱۹۹۲ در اینگوش ایجاد شده بود، اما منافع ملموس اندکی را برای اقتصاد پیش پا افتاده اینگوش به همراه داشت، بنابراین در سال ۱۹۹۷ منسوخ شد.

ترتیب‌دادن سریع برنامه انتخاب او در سال ۲۰۰۴ تبدیل شد.

به نظرمی رسد در مسکو اجماع گسترده‌ای در رابطه با این که مناطق ویژه اقتصادی ابزار جدیدی برای تقویت اقتصادهای رنجور منطقه هستند، وجود دارد.

وزیر اقتصاد روسیه، گرمان گرف، بیش از همه با مفهوم SEZ همراه شده و آن را به دقت به تصویر کشیده است.

او هیچ دلیلی برای عدم پذیرش SEZ از طرف چچنی‌ها نمی‌بیند. هر چند گرف، نیز همچون بسیاری دیگر در مسکو به نظر نمی‌رسد کاملاً متقاعد شده باشد که قدیرف بعنوان یک چچنی طرفدار مسکو بتواند محتاطانه عمل کند. پس از این که گرف در سمت رییس کمیسیون مسکو برای بازسازی چچن، در اواخر

جولای از گروزی دیدن کرد، بانزدیک شدن به سران مسکو بواسطه قدیرف، در گزارش خود، تقاضای ۷۵

میلیون دلار برای بازسازی کلیه پروژه‌ها کرد. زمانی که گرف درخواست مبلغ بیشتری برای این پروژه‌ها کرد، قدیرف به هیچ وجه نتوانست آن را در اختیار او

قرار دهد. اگرچه قدیرف متعاقباً رضایتش را از کمک به محاسبه هر «کوچک» از مساعدت بودجه فدرال اعلام کرده بود، اما واضح است که تعداد زیادی از صاحب

منصبان در مسکو به گزارش حسابداری اعتماد ندارند. سرگئی استپاشین، رئیس اداره حسابرسی روسیه در سال ۲۰۰۵، در یک سخنرانی گفته بود که حمایت او برای

منطقه ویژه اقتصادی (SEZ) چچن بسته به این خواهد بود که آیا آلوالخانف می‌تواند سرمایه‌گذاری داخلی را کنترل کند، بطوریکه پول «به سرقت نرود... و

یا به سمت تامین هزینه‌های پولی شامل باسیف (جنگ سالارافراطی چچنی) نرود».

یک فرد در جایگاه استپاشین مجبور است سخنانی حقیر و ناچیز درباره یکپارچگی دولت و طرفدار مسکو در گروزی بیان کند. نکته کلیدی اینجاست که تا زمانیکه به آلخانف بعنوان یک «شخص وفادار» نگریسته شود،

قدیرف به نظر گروه بسیاری، از لحاظ فردی یک آزادیخواه و از لحاظ سیاسی ملاحظه‌کار و با تدبیر تلقی می‌شود. برخلاف بدگمانی که نسبت به قدیرف وجود دارد، به گرف و استپاشین به عنوان افراد لیبرال نگریسته می‌شود.

قدیرف خواهان ایجاد منطقه ویژه اقتصادی چچن، باتجدید نظر در مواردی مانند حقوق مالکیت در خصوص صنعت نفت جمهوری، است. رییس روس نفت (Rosneft) هنگامی که در یک مناقشه، قدیرف و مخالفانش ادعاهایی را در خصوص امتیاز تولید شرکت او مطرح کردند، توجه ویژه‌ای به SEZ پیدا کرد. اما قدیرف اعلام کرد که طرفدار تغییر نیست و اظهار داشت: «(Rosneft) یک شرکت قدرتمند است و من می‌خواهم با آن همکاری کنم، نه اینکه در مقابل آن

بایستم، اما اگر ضروری باشد، مبارزه خواهم کرد.» بخاطر نقش وی در افق انتخابات ریاست جمهوری، پوتین تمایل دارد این مناقشه به سادگی بیرنگ شود. تا زمانی که او توان این را نداشته باشد که هر یک از بازیگران عمده را در مواقع بحرانی کنار بزند، به راه‌حل سازش نیاز است.

با تضمین شرایط ویژه برای اقتصاد چچن، شاید پوتین بتواند قدیرف را ترغیب کند که مهلت قانونی در اظهارات او را برای صنعت نفت چچن بپذیرد. آیا منطقه ویژه اقتصادی چچن در تمام صنعت آن اجرا خواهد شد یا تنها در یک بخش یا بخش‌هایی از آن مساعدت‌های گرف نیز انتخاب بعدی است.

آلوالخانف در این دیدگاه که «یک منطقه ویژه اقتصادی باید در چچن ایجاد شود»، سهم دارد و حتی صحبت از ایجاد مناطق متعدد در سراسر جمهوری کرده است.

قدیرف تصور باشکوه تری از SEZ دارد و آن گسترش وضعیت SEZ به سراسر چچن است. اگر به قدیرف فشار بیاید، او در رابطه با این موضوع که شرایط SEZ را برای سرزمین‌های پست چچن بپذیرد مصالحه کند،

هرچند برای اودر شرایط فعلی نظر ولی نعمتش پوتین
مهم تر است.
ترجمه: مزگان ایزدی

این در حالی است که سرزمین های پست شمالی در
چچن، پایه قدرت سیاسی قدیرف محسوب می شوند
و بیشتر ساختار اقتصادی چچن در آنجا واقع شده است.
رئیس جمهور چچن پیش از این کمک زیادی به معرفی
SEZ کرده بود. «فدراسیون قدیرف» به طور نامعلومی
در تشکیلات بشر دوستانه سرمایه گذاری کرده و قادر
است به عنوان یک مجرا برای سرمایه گذاری داخلی
عملاً فعالیت کند. قدیرف در ملاقات اخیر خود با تجار
چچنی در مسکو امتیازاتی را به منظور ترغیب آنها به
سرمایه گذاری در جمهوری چچن اعلام کرد و اظهار
داشت تشکیل منطقه ویژه اقتصادی در چچن با
معافیت های مالیاتی برای تجار و سرمایه گذاران تکمیل
می شود و شاید این امر سرمایه گذاری در اقتصاد پریشان
چچن را آسانتر کند. هرچند که مناطق ویژه اقتصادی
در بعضی موارد بدون مشکل و مانع نیستند. در بعضی
موارد مناطق ویژه اقتصادی فرصتی را برای صاحبان
صنعت در جهت قدرتمندتر کردن صنعت شان بواسطه
استفاده از نیروی کار ارزان فراهم می کنند.
به نظرمی رسد چچن در زمانی که خیلی دور نیست به
یک منطقه ویژه اقتصادی تبدیل شود. حامیان این ایده
تقویت SEZ را وسیله ای برای جوان کردن دوباره
اقتصاد چچن می دانند، درحقیقت SEZ در چچن
بیشتر یک امتیاز مثبت در میان سیاستمداران نخبه است
تا قسمتی از یک استراتژی مطلق اقتصادی. برای پوتین،
این امکانات ابزار خوشایندی برای آشتی دادن قدیرف
وسیلوویکی (کا.گ.ب سابق) در زمان حساس چرخه
انتخابات روسیه است. یک قدرت بدبین میتواند اشتیاق
به سرمایه گذاری در SEZ را به یک آرزو برای سرمایه
گذاران آسیب پذیر تبدیل کند. در این راه منطقه ویژه
اقتصادی (SEZ) چچن می تواند قدیرف را بیش از این
ثروتمند و قدرتمند کند. صرف نظر از این، قدیرف
نمی تواند به نظرگرف و استپاشین در خصوص SEZ و
فکری که درباره او می کنند بی تفاوت باشد،